

The Role of Economic Factors and Institutional Quality in Shaping Cross-Border Migration Flows: Evidence from Selected Middle Eastern Countries

Pegah Aminpour Ghahremani¹  | Seyed Jamaloddin Mohseni Zonouzi²  |
Yousef Mohammadzadeh³ 

¹. MA in Economics, Faculty of Economics and Management, Urmia University, Urmia, Iran, Email: pegahaminpour@yahoo.com

². Associate Professor of Economics, Faculty of Economics and Management, Urmia University, Urmia, Iran, (Corresponding Author), Email: sj.mzonouzi@urmia.ac.ir

³. Associate Professor of Economics, Faculty of Economics and Management, Urmia University, Urmia, Iran, Email: yo.mohammadzadeh@urmia.ac.ir

Article Info.	ABSTRACT
Article type: Research Article	Cross-border migration is one of the most significant consequences of economic inequality and weak governance in developing countries, particularly in the Middle East region. This study aims to analyze the simultaneous impact of economic and institutional variables on migration, focusing on the effects of unemployment rate, per capita income growth, exchange rate, political stability, and control of corruption across six selected Middle Eastern countries: Iran, Iraq, Turkey, Syria, Pakistan, and Egypt over the period 1974–2023. Utilizing panel data and applying a fixed effects model, the findings reveal that high unemployment and exchange rate volatility are key drivers of migration, while improvements in per capita income, political stability, and control of corruption have a statistically significant deterrent effect. Hence, the results show that unemployment and exchange rate volatility drive migration, while income growth, political stability, and corruption control reduce it. Policy recommendations include labor market reform, macroeconomic stabilization, and institutional improvements.
Article history:	
Received: 15-04-2025	
Received in revised: 21-06-2025	
Accepted: 25-11-2025	
Published Online: 26-11-2025	
Keywords: Cross-Border Migration, Emigration, Economic Factors, Institutional quality, Fixed Effects Model, Panel Data.	
JEL: C23, E24, E31, J61, O43.	
Cite this article: Aminpour Ghahremani, P., Mohseni Zonouzi, S. J., & Mohammadzadeh, Y., (2025). The Role of Economic Factors and Institutional Quality in Shaping Cross-Border Migration Flows: Evidence from Selected Middle Eastern Countries, <i>Journal of Economics and Modelling</i> , 16(1), 179-210. DOI: 10.48308/jem.2025.239507.1986	
 © The Author(s). Publisher: Shahid Beheshti University Press	

نقش عوامل اقتصادی و کیفیت نهادی در شکل‌گیری جریان‌های مهاجرت

برون‌مرزی: شواهدی از کشورهای منتخب خاورمیانه

پگاه امین‌پور قهرمانی^۱ | سید جمال‌الدین محسنی زنوزی^۲ | یوسف محمدزاده^۳

^۱. کارشناس ارشد گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. رایانامه: pegahaminpour@yahoo.com

^۲. دانشیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. رایانامه: sj.mzonouzi@urmia.ac.ir

^۳. دانشیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. رایانامه: yo.mohammadzadeh@urmia.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مهاجرت برون‌مرزی از مهم‌ترین پیامدهای نابرابری اقتصادی و ضعف حکمرانی در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه در منطقه خاورمیانه است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل هم‌زمان متغیرهای اقتصادی و نهادی مؤثر بر مهاجرت، به بررسی اثرگذاری نرخ بیکاری، رشد درآمد سرانه، نرخ ارز، ثبات سیاسی و کنترل فساد در شش کشور منتخب خاورمیانه ایران، عراق، ترکیه، سوریه، پاکستان و مصر، طی دوره ۱۹۷۴ تا ۲۰۲۳ پرداخته است. با بهره‌گیری از داده‌های تابلویی و به‌کارگیری الگوی اثرات ثابت، نتایج نشان می‌دهد که نرخ بالای بیکاری و نوسانات نرخ ارز، از عوامل محرک اصلی مهاجرت‌اند؛ در مقابل، بهبود درآمد سرانه، تقویت ثبات سیاسی و کنترل فساد، نقش بازدارنده و معناداری در کاهش نرخ مهاجرت ایفا می‌کنند. بر پایه این نتایج، توصیه می‌شود سیاست‌گذاران با تمرکز بر اصلاح ساختار بازار کار از طریق توسعه اشتغال دانش‌بنیان و مهارت‌محور، تثبیت نرخ ارز و حفظ ثبات کلان اقتصادی، و نیز ارتقای کیفیت حکمرانی از طریق شفافیت، پاسخگویی نهادی و مقابله با فساد، اقداماتی هدفمند و هماهنگ در جهت کنترل جریان‌های مهاجرتی اتخاذ نمایند.
واژه‌های کلیدی: مهاجرت برون‌مرزی، عوامل اقتصادی، کیفیت نهادی، الگوی اثرات ثابت، داده‌های تابلویی.	طبقه‌بندی JEL: C23, E31, J61, O43.

استناد: امین‌پور قهرمانی، پگاه؛ محسنی زنوزی، سید جمال‌الدین؛ و محمدزاده، یوسف (۱۴۰۴). نقش عوامل اقتصادی و کیفیت نهادی در شکل‌گیری جریان‌های مهاجرت برون‌مرزی: شواهدی از کشورهای منتخب خاورمیانه. *اقتصاد و الگوسازی*، ۱۶(۱)، ۱۷۹-۲۱۰. DOI: 10.48308/jem.2025.239507.1986



۱. مقدمه

مهاجرت بین‌المللی به‌ویژه از کشورهای خاورمیانه، در دهه‌های اخیر به نمادی از شکست‌های ساختاری، اختلال در حکمرانی و بحران‌های اقتصادی تبدیل شده است. این پدیده پیچیده، حاصل برهم‌کنش عوامل اقتصادی، اجتماعی و نهادی است که در قالب بحران‌هایی همچون بیکاری، رکود اقتصادی، تنش‌های سیاسی و ضعف حکمرانی شکل می‌گیرد (دی‌هاس، کاستلس و میلر^۱، ۲۰۱۹؛ قنبری و رضازاده، ۱۴۰۱؛ تاپیرداماز^۲، ۲۰۲۴؛ ژو^۳، ۲۰۲۴). پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که کاهش فرصت‌های شغلی، نابرابری درآمدی، و فساد ساختاری، انگیزه مهاجرت را در میان گروه‌های مختلف اجتماعی به‌ویژه جوانان و نخبگان افزایش می‌دهد (کارلینگ و کالینز^۴، ۲۰۱۷؛ هجیان و همکاران^۵، ۲۰۱۹؛ ریدل و ولفورد^۶، ۲۰۲۴).

بر پایه آمارهای رسمی، بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷، تعداد مهاجران بین‌المللی از کشورهای خاورمیانه به بیش از ۴۷ میلیون نفر رسیده است؛ رقمی معادل ۲۳ درصد از کل جمعیت این حوزه جغرافیایی (پترف^۷، ۲۰۱۷). در همین بازه زمانی، نسبت افرادی که تمایل به مهاجرت دارند از ۱۳ درصد به ۸۶ درصد افزایش یافته است (خوخلشوا^۸، ۲۰۱۸). گرایش ذهنی و تمایل افراد به ترک کشور، نقش محوری در شکل‌گیری مهاجرت واقعی ایفا می‌کند (وان‌دالن و همکاران^۹، ۲۰۰۵؛ رضایی و صادقی، ۲۰۲۱). این رشد چشمگیر تمایل به جابه‌جایی، بازتابی از نارضایتی انباشته نسبت به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و نهادی و افق‌های مبهم توسعه و رفاه در این کشورهاست

^۱. De Haas, Castles and Miller

^۲. Tapirdamaz

^۳. Zhou

^۴. Carling and Collins

^۵. Hajian et al.

^۶. Riedl and Wolford

^۷. Petrov

^۸. Khokhlysheva

^۹. Van Dalen et al.

(ایونتسف^۱، ۲۰۱۷؛ اولینتر^۲، ۲۰۱۷؛ رضایی و صادقی، ۱۴۰۰، ص: ۳۵-۶۲).

با وجود گسترش ادبیات مهاجرت در سطح بین‌المللی، بیشتر مطالعات پیشین بر کشورهای مقصد و عوامل اقتصادی کلاسیک تمرکز داشته‌اند و تحلیل‌های چندبعدی، به‌ویژه در رابطه با متغیرهای نهادی در کشورهای مبدأ، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این در حالی است که شاخص‌هایی مانند ثبات سیاسی و کنترل فساد، تأثیر مستقلاً بر انگیزش مهاجرت دارند و درک آنها برای طراحی سیاست‌های بازدارنده بسیار حیاتی است. مطالعه حاضر با هدف پر کردن این خلأ، به بررسی تأثیر هم‌زمان عوامل اقتصادی و نهادی بر مهاجرت بین‌المللی از شش کشور منتخب خاورمیانه شامل ایران، عراق، ترکیه، سوریه، پاکستان و مصر می‌پردازد. انتخاب این کشورها به دلیل ویژگی‌های ساختاری مشابه همچون ناپایداری اقتصاد کلان، ضعف نهادی، و نرخ بالای بیکاری صورت گرفته است. دوره زمانی مطالعه ۱۹۷۴ تا ۲۰۲۳ را در بر می‌گیرد که با در اختیار داشتن داده‌های بلندمدت و مقایسه‌پذیر، امکان تحلیل دقیق روابط علی میان متغیرها فراهم شده است.

از نظر روش‌شناختی، این پژوهش با بهره‌گیری از الگوی داده‌های تابلویی و تخمین اثرات ثابت، به تحلیل رابطه میان متغیرهای نرخ بیکاری، رشد درآمد سرانه، نرخ ارز، شاخص ثبات سیاسی و شاخص کنترل فساد با نرخ مهاجرت خروجی می‌پردازد. داده‌های مربوطه از منابع معتبر بین‌المللی و ملی گردآوری شده‌اند تا از نظر روش و اعتبار آماری از اتکاپذیری لازم برخوردار باشند.

یافته‌های حاصل از این پژوهش می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد در راستای کنترل جریان‌های مهاجرتی، اصلاح ساختارهای نهادی، و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی در منطقه باشد.

ساختار مقاله به‌شرح زیر است: بخش دوم به مبانی نظری و پیشینه پژوهش اختصاص دارد؛ در بخش سوم، روش‌شناسی پژوهش و الگوی اقتصادسنجی معرفی

^۱. Iontsev

^۲. Olinter

می‌شود؛ بخش چهارم نتایج تجربی را ارائه و تحلیل می‌کند و در بخش پایانی، جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌گردد.

۲. مبانی نظری و ادبیات موضوع

۲-۱. نظریه‌های مهاجرت

پدیده مهاجرت در ادبیات اقتصادی و اجتماعی از منظرهای متنوعی تحلیل شده است (فروردا و گِست^۱، ۲۰۲۱؛ ژو^۲، ۲۰۲۴). این رویکردها را می‌توان در سه سطح عمده دسته‌بندی کرد (شوون^۳، ۲۰۲۱؛ چانگ^۴، ۲۰۲۱؛ راداک و همکاران^۵، ۲۰۲۴): سطح خرد (فردی و خانوادگی)، سطح میانی (بازار کار و شبکه‌ها) و سطح کلان (ساختارهای نهادی، سیاسی و تاریخی).

در سطح خرد، نظریه نئوکلاسیکی مهاجرت را تصمیمی عقلانی برای حداکثرسازی مطلوبیت فردی می‌داند که بر اساس تفاوت در دستمزدهای واقعی و نرخ بازده سرمایه انسانی بین کشور مبدأ و مقصد اتخاذ می‌شود (سجاستاد^۶، ۱۹۶۲؛ موسوی‌راد و قدسیان، ۱۳۹۴، ص: ۳۷-۶۲؛ کانالس^۷، ۲۰۱۹). در این چارچوب، عواملی نظیر نرخ بیکاری، درآمد سرانه پایین و چشم‌اندازهای نامطلوب اقتصادی، مهم‌ترین انگیزه‌های مهاجرت از کشورهای کم‌درآمد به شمار می‌روند (ناوارو-چاوز^۸، ۲۰۲۴).

در مقابل، نظریه اقتصاد جدید مهاجرت کارگری^۹، مهاجرت را نه صرفاً به‌عنوان تصمیمی فردی برای بیشینه‌سازی درآمد، بلکه به‌مثابه راهبردی خانوادگی برای مدیریت

^۱. Ferwerda and Gest

^۲. Zhou

^۳. Schon

^۴. Chung

^۵. Radac et al.

^۶. Sjaastad

^۷. Canales

^۸. Navarro-Chávez

^۹. New Economics of Labour Migration

ریسک و جبران نارسایی‌های ساختاری در کشور مبدأ تفسیر می‌کند (هاگن-زانکر^۱، ۲۰۰۸؛ دی‌هاس^۲، ۲۰۱۰؛ پوله^۳، ۲۰۲۲). این نظریه، با انتقاد از فرض وجود بازارهای کامل در رویکرد نئوکلاسیکی و بی‌توجهی آن به عوامل غیراقتصادی نظیر فرهنگ، سیاست و آزادی‌های مدنی، بر آن است که نبود نهادهای مؤثر، فقدان دسترسی به اعتبار رسمی، ضعف نظام‌های بیمه اجتماعی، و محدودیت در آزادی‌های سیاسی، خانوارها را به اعزام اعضای خود برای کار و زندگی در خارج از کشور ترغیب می‌کند (گراولی^۴، ۲۰۱۰؛ حسنی، ۲۰۱۵؛ موخرجی و فرانسس^۵، ۲۰۲۴).

در سطح میانی، نظریه‌های شبکه مهاجرتی و کشش-فشار^۶ تلاش می‌کنند تا پیوندهای بین عوامل ساختاری (فقر، بیکاری، نابرابری، جنگ) و عوامل جاذبه‌ای (فرصت شغلی، امنیت، کیفیت زندگی) را تحلیل کنند (لی^۷، ۱۹۶۶؛ راونشتاین^۸، ۱۸۸۵؛ چلیک^۹، ۲۰۰۶؛ اوربانسکی^{۱۰}، ۲۰۲۲؛ نوال و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۴؛ پل و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۴). در این میان، وجود شبکه‌های اجتماعی مهاجران در کشور مقصد، هزینه‌ها و ریسک مهاجرت را کاهش داده و پویایی آن را تقویت می‌کند (میترن و پیریرا^{۱۳}، ۲۰۱۶؛ رومانیسزین^{۱۴}، ۲۰۲۲، هیرو و مازا^{۱۵}، ۲۰۲۴).

در سطح کلان، نظریه‌های نهادگرایانه و تاریخی-ساختاری مهاجرت، پدیده مهاجرت را بازتابی از نابرابری‌های ساختاری بین مرکز و پیرامون، ضعف حکمرانی، فساد

¹. Hagen-Zanker

². De Haas

³. Poole

⁴. Crawley

⁵. Mukherjee and Fransen

⁶. Push-Pull

⁷. Lee

⁸. Ravenstein

⁹. Çelik

¹⁰. Urbański

¹¹. Naval et al.

¹². Pál et al.

¹³. Meeteren and Pereira

¹⁴. Romaniszyn

¹⁵. Hierro and Maza

سیستماتیک، و شکنندگی نهادهای دولتی تفسیر می‌کنند (والرشتاین^۱، ۲۰۱۱؛ رابینسون و آچم‌اوغلو^۲، ۲۰۱۲؛ رودریک^۳، ۲۰۱۶). از این منظر، مهاجرت نه فقط واکنشی به فقر، بلکه حاصل شکست دولت در فراهم‌سازی امنیت، عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر است (ویتتی و اسکرینر^۴، ۲۰۱۳؛ لندور^۵، ۲۰۱۹؛ ازباسیلی^۶، ۲۰۲۵). مطالعات اخیر نشان می‌دهند که شاخص‌های حکمرانی مانند ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، و کنترل فساد، نقش مستقلی در شکل‌دهی به جریان‌های مهاجرت ایفا می‌کنند (راداک و همکاران^۷، ۲۰۲۴). حتی در کشورهایی با درآمد متوسط، ضعف نهادها می‌تواند به فرار مغزها و خروج سرمایه انسانی بینجامد (دُکیه و راپوپورت^۸، ۲۰۰۷؛ درتاج و همکاران، ۱۳۹۲؛ چن و همکاران^۹، ۲۰۲۳). مهاجرت را نباید صرفاً پدیده‌ای آماری و محدود به شمار جابه‌جایی انسان‌ها تلقی کرد؛ بلکه عوامل مؤثر بر تصمیم افراد برای مهاجرت، از جمله موضوعات مهمی هستند که باید در قانون توجه سیاست‌گذاران قرار گیرند (اوزدمیر و اجویت^{۱۰}، ۲۰۱۹). آنچه پژوهش حاضر را متمایز می‌سازد، تلفیق هم‌زمان نظریه‌های اقتصادی کلاسیک با دیدگاه‌های نهادی و ساختاری در قالب یک چارچوب تحلیلی تطبیقی است که به‌ندرت در پژوهش‌های مهاجرتی منطقه خاورمیانه، آن هم با تکیه بر داده‌های تابلویی بلندمدت، مطالعه شده است. از این منظر، این پژوهش به‌دنبال پاسخ به این پرسش کلیدی است که کدام‌یک از متغیرهای نهادی یا اقتصادی، نقش تعیین‌کننده‌تری در تصمیم به مهاجرت در کشورهای مورد مطالعه ایفا می‌کنند.

¹. Wallerstein

². Robinson and Acemoglu

³. Rodrik

⁴. Vietti and Scribner

⁵. Lindor

⁶. Ezeabasili

⁷. Radac et al.

⁸. Docquier and Rapoport

⁹. Chen et al.

¹⁰. Ozdemir and Ecevit

۲-۲. دلایل مهاجرت از کشورهای منتخب خاورمیانه

در چند دهه گذشته، خاورمیانه به یکی از پرتلاطم‌ترین مناطق جهان از نظر جریان‌های مهاجرتی تبدیل شده است. عوامل اقتصادی و نهادی متعددی در این منطقه به‌گونه‌ای در هم تنیده‌اند که مهاجرت را نه صرفاً یک انتخاب فردی، بلکه واکنشی ساختاری و بلندمدت به شرایط داخلی کشورها ساخته‌اند. از جمله مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده در این میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

درگیری‌های داخلی و خارجی: جنگ‌های منطقه‌ای، بی‌ثباتی سیاسی، و سیاست‌های ناکارآمد، نه تنها موجب گسترش پناهندگی و مهاجرت‌های اجباری شده، بلکه سرمایه اجتماعی و امنیت روانی جوامع را تضعیف کرده‌اند (همسی و مپام^۱، ۲۰۱۸؛ خوخلیشوا^۲، ۲۰۱۸؛ علوی‌شوشتری و حافظ‌نیا^۳، ۲۰۲۰).

فقدان آزادی‌های سیاسی: رأی، آزادی اندیشه‌ها، برگزاری انتخابات آزاد، نبود دموکراسی و آزادی‌های مدنی، محرک اصلی مهاجرت نخبگان، روشنفکران و فعالان اجتماعی بوده‌اند (فیست^۴، ۲۰۰۰؛ داکیر و همکاران^۵، ۲۰۱۱؛ کیرکیچ^۶، ۲۰۲۵).

نوسانات اقتصادی و شکاف‌های درآمدی: یکی از عوامل ساختاری تأثیرگذار بر مهاجرت در کشورهای خاورمیانه، نوسانات اقتصادی است؛ به‌ویژه تورم مزمن که در بسیاری از این کشورها منجر به کاهش قدرت خرید خانوارها و تشدید شکاف طبقاتی شده است (روکا و همکاران^۷، ۲۰۲۰). از دیدگاه تاریخی، هیوم^۸ (۱۷۷۶-۱۷۱۱) معتقد بود که افزایش قیمت‌ها معمولاً با شتابی بیشتر از رشد دستمزدها رخ می‌دهد، مسأله‌ای که به نابرابری اقتصادی دامن می‌زند (فیشر و مایر^۹، ۱۹۸۰). مطالعات جدید نیز این

^۱. Homs and Mapam

^۲. Khokhlysheva

^۳. Alavi Shushtari and Hafeznia

^۴. Faist

^۵. Docquier

^۶. Kırkıç

^۷. Rocha et al.

^۸. Hume

^۹. Fischer and Mayer

رابطه را تأیید کرده‌اند. به‌ویژه در شرایطی که توزیع درآمد ناعادلانه و دستمزدها پایین‌تر از هزینه‌های زندگی هستند، میل به مهاجرت افزایش می‌یابد (مودریچنکو و همکاران^۱، ۲۰۲۳؛ بنچک و شنایدرهاینزه^۲، ۲۰۲۴). افزون بر این، نابرابری در سطوح بالاتر از آستانه تحمل اجتماعی، نه تنها مهاجرت اقشار کم‌درآمد بلکه مهاجرت نخبگان و متخصصان را نیز تشدید می‌کند. زیرا نخبگان، در جست‌وجوی فرصت‌های برابرتر و کیفیت زندگی بالاتر، اغلب کشور را ترک می‌کنند (مفتخری و همکاران، ۱۴۰۱، ص: ۱۸۴-۱۵۷).

بیکاری و فرار مغزها: یکی از بحران‌های اساسی خاورمیانه، نرخ بالای بیکاری و مهاجرت نخبگان است. این روند به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران، عراق، ترکیه و سوریه شدت بیشتری دارد (ایفره، اکو و اورلو^۳، ۲۰۱۷؛). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فرار مغزها در سال ۲۰۰۸ بیش از ۱۱ میلیارد دلار زیان اقتصادی به این منطقه وارد کرده و رشد اقتصادی پایدار را تهدید می‌کند (گیانوکولو^۴، ۲۰۰۹؛ وایهودی^۵، ۲۰۲۱). تجربه کشورهای منتخب خاورمیانه نشان می‌دهد که این عوامل با شدت و چینی‌شی متفاوت در هر کشور عمل کرده‌اند:

در عراق، علی‌رغم درآمدهای نفتی، و جذب نیروی کار خارجی در دهه ۱۹۷۰، مهاجرت عمدتاً تحت تأثیر عوامل سیاسی، ایدئولوژیک و قومی-مذهبی بوده است. سرکوب اقلیت‌ها، جنگ‌های پی‌پی، و فروپاشی نهادهای دولتی پس از ۲۰۰۳، موج‌های وسیعی از مهاجران و پناهجویان تولید کرده است که بسیاری از آن‌ها به کشورهای توسعه‌یافته یا همسایه پناه برده‌اند (ال‌نوری^۶، ۱۹۹۶؛ لوئیزارد^۷، ۲۰۰۲، کآدهوم^۸، ۲۰۲۳).

^۱. Mudričenko et al.

^۲. Benček and Schneiderheinze

^۳. Ifere, Eko and Orlu

^۴. Giannoccolo

^۵. Wahyudi

^۶. Al-Nouri

^۷. Luizard

^۸. Kadhum

در سوریه، مهاجرت‌های کاری از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و در دهه‌های بعد گسترش یافت، اما با آغاز جنگ داخلی از سال ۲۰۱۱، ابعاد مهاجرت به‌طور چشمگیری تغییر کرد. درگیری‌های نظامی، سرکوب‌های سیاسی، و فروپاشی زیرساخت‌ها، سوریه را به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان مهاجر در جهان تبدیل کرده است (ال‌خوری^۱، ۲۰۰۴؛ بیک^۲، ۲۰۱۷).

تحول مهاجرت از مصر نیز در سه مرحله تاریخی قابل تمایز است؛ از مهاجرت به لیبی در دهه ۱۹۷۰ تا موج‌های بعدی به عربستان و عراق. اگرچه در سال‌های اخیر حدود ۲.۷ میلیون مصری در خارج از کشور به‌سر می‌برند، بخش عمده‌ای از این مهاجرت‌ها شکل اقتصادی داشته، اما به تدریج تحت تأثیر عواملی چون بیکاری، تورم، و سیاست‌های ارزی نیز قرار گرفته‌اند (آبلا^۳، ۱۹۹۴؛ آنون^۴، ۲۰۰۳؛ آواد و لوتایف^۵، ۲۰۱۹؛ توسوراپاس^۶، ۲۰۲۲).

در ایران نیز سه موج عمده مهاجرت شناسایی شده است. موج نخست بیشتر جنبه آموزشی و اقتصادی داشت، اما موج دوم با پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ و جنگ ایران و عراق، ماهیت سیاسی و اجتماعی یافت. موج سوم که از دهه ۱۹۹۰ آغاز شده، تحت تأثیر ترکیب عواملی چون رکود اقتصادی، محدودیت‌های اجتماعی، و فرسایش امید به آینده، شکل گرفته و همچنان ادامه دارد (بزرگمهر^۷، ۲۰۰۰؛ شیرازی و مصیب^۸، ۲۰۰۶؛ نیکویه و همکاران، ۱۳۹۹، ص: ۱۲۷-۱۵۴).

پاکستان از دهه ۱۹۷۰ به یکی از کشورهای مهاجرفرست مهم به مقصد کشورهای حوزه خلیج فارس تبدیل شد. با گسترش بحران‌های اقتصادی، فساد و ناامنی داخلی در

¹. Al-Khouri

². Bick

³. Abella

⁴. Anon

⁵. Awad and Lotayef

⁶. Tsourapas

⁷. Bozorgmehr

⁸. Shirazi and Mossayeb

دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، موج جدیدی از مهاجرت به غرب (آمریکا، بریتانیا، کانادا) شکل گرفت. در سال‌های اخیر، ناامنی داخلی و ناتوانی حکومت در پاسخ‌گویی به مطالبات عمومی، از عوامل تقویت‌کننده این روند بوده است (خان و مینگ‌یی^۱، ۲۰۱۸). در نهایت، ترکیه نیز از سال ۱۹۶۱ به‌تدریج وارد الگوی مهاجرتی پیچیده‌ای شده است که شامل مهاجرت نیروی کار، پیوستن خانواده‌ها، پناهندگی و مهاجرت سیاسی می‌شود. تحولات سیاسی اخیر و افزایش فشارهای اقتصادی داخلی، بار دیگر میل به مهاجرت را در میان نخبگان و طبقه متوسط تقویت کرده است (کیلچ^۲، ۲۰۲۱).

تجربه تاریخی کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد که در هر مورد، ترکیب خاصی از متغیرهای اقتصادی و نهادی در تحریک جریان‌های مهاجرتی نقش ایفا کرده است. این تفاوت‌های ساختاری، در عین اشتراکات منطقه‌ای، انگیزه اصلی انتخاب این شش کشور در مطالعه حاضر بوده‌اند. تحلیل تطبیقی مبتنی بر داده‌های تابلویی، فرصت ارزشمندی برای تبیین تفاوت شدت و جهت مهاجرت در هر کشور و شناسایی اثرات مستقل متغیرها فراهم می‌آورد.

۳. پیشینه پژوهش

۳-۱. مطالعات داخلی

در ادبیات پژوهشی ایران، مطالعات متعددی به بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت بین‌المللی پرداخته‌اند. اگرچه بسیاری از این مطالعات بر مهاجرت نخبگان یا جریان مهاجرت از ایران تمرکز دارند، اما نتایج آن‌ها می‌تواند در تبیین نقش عوامل اقتصادی و نهادی در شکل‌دهی به مهاجرت در کشورهای در حال توسعه مؤثر باشد.

شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی (۱۳۹۳) با استفاده از داده‌های تابلویی برای دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۹، به تحلیل اثر آزادی‌های سیاسی، اقتصادی و مدنی بر مهاجرت بین‌المللی، به‌ویژه

^۱. Khan and Ming-yi

^۲. Kilic

مهاجرت نخبگان از کشورهای در حال توسعه به ایالات متحده آمریکا پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که کاهش آزادی‌های سیاسی و مدنی، تأثیر مثبت و معناداری بر مهاجرت نخبگان دارد؛ به عبارت دیگر، نخبگان در واکنش به محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی، تمایل بیشتری به ترک کشور مبدأ دارند. نرخ بیکاری دانش‌آموختگان نیز تأثیر مثبت و معناداری بر مهاجرت نخبگان نشان داد.

مصطفی زاده و عرب مازار (۱۳۹۷) تأثیر نهادهای حکمرانی و عوامل اقتصادی موثر بر مهاجرت نیروی کار از ایران بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ با مبانی الگوی جاذبه و روش تخمین داده‌های تابلویی به ۸ کشور OECD مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از آن است که بهبود شاخص حکمرانی و زیر شاخه‌های آن شامل ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، و کنترل فساد نهادها عامل دافعه نیروی کار در ایران شناخته شده‌اند. ابراهیمی و رفیعی (۱۳۹۹) با بهره‌گیری از رگرسیون لجستیک، اثر ادراک عمومی از فساد اداری را بر تمایل به مهاجرت بررسی کردند. یافته‌های آنان نشان داد که احساس نابرابری، بی‌عدالتی در فرصت‌ها، و تجربه ناکارآمدی نهادها، با افزایش میل به مهاجرت همراه بوده است.

قریشی (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای کیفی با مصاحبه با زنان مهاجر افغانستانی، نشان داد که ناامنی، سلطه طالبان، فقر، بیکاری، و فروپاشی خدمات عمومی از جمله مهم‌ترین دلایل مهاجرت اجباری از افغانستان به ایران بوده‌اند. این عوامل در سه دسته جنگ و خشونت، ناتوانی اقتصادی، و فشارهای خانوادگی طبقه‌بندی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ضعف حکمرانی، بی‌ثباتی سیاسی و بحران اقتصادی، پیشران‌های کلیدی مهاجرت در کشورهای بحرانی خاورمیانه هستند.

مفتخری و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی فرار مغزها طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۱۸ از کشورهای در حال توسعه با رویکرد تابلویی GMM، پرداختند. نتایج نشان داد که بهبود رفاه اجتماعی و سیاست‌های حمایتی می‌تواند از مهاجرت نخبگان جلوگیری کند.

همچنین، تأثیر سرمایه اجتماعی بر مهاجرت نخبگان غیرخطی است؛ به طوری که در سطوح پایین، افزایش سرمایه اجتماعی موجب افزایش مهاجرت می‌شود، اما پس از رسیدن به یک حد آستانه‌ای، اثر معکوس دارد. علاوه بر آن، یافته‌های پژوهش نشان داد که نابرابری درآمدی در سطوح پایین‌تر از آستانه مشخص اثری منفی و معنادار بر فرار مغزها دارد، اما با عبور از این آستانه، اثر نابرابری معکوس شده و به‌طور معناداری موجب تشدید مهاجرت نخبگان می‌شود.

حسینی و راد (۱۴۰۱) با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ و الگوی OLS، تأثیر بی‌ثباتی اقتصادی از جمله تورم و بیکاری را بر تمایل دانشجویان ایرانی به مهاجرت بررسی کردند. نتایج نشان داد که این متغیرها تأثیر معناداری بر افزایش مهاجرت دارند. مجیدی و همکاران (۱۴۰۲) نیز با تمرکز بر مهاجرت جوانان به کشورهای همسایه، نتایج مشابهی به‌دست آوردند و تأکید کردند که بی‌ثباتی اقتصادی از عوامل کلیدی در این روند هستند.

صفایی و همکاران (۱۴۰۲) با استفاده از الگوی دینامیک سیستم‌ها، مهاجرت نخبگان از ایران به کشورهای توسعه‌یافته را بررسی کردند. آن‌ها تأثیر متغیرهایی مانند کیفیت زندگی، آزادی سیاسی و اقتصادی، توسعه فرهنگی، درآمد، دموکراسی، نابرابری، تورم و بیکاری را شبیه‌سازی کردند. نتایج نشان داد که بهبود شرایط اقتصادی، افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش تورم، می‌تواند مهاجرت نخبگان را کاهش داده و حتی موجب بازگشت آن‌ها شود.

۲-۳. مطالعات خارجی

میداً^۱ (۲۰۱۰) با استفاده از الگوی تابلویی، تأثیر عوامل اقتصادی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی را بر جریان‌های مهاجرت به ۱۴ کشور OECD بین ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ بررسی

^۱. Mayda

کرده است. نتایج نشان می‌دهند که افزایش درآمد سرانه در کشورهای مقصد مهاجرت را جذب می‌کند، اما پس از رسیدن به سطح خاصی، این رابطه معکوس می‌شود. علاوه بر این، بی‌ثباتی سیاسی و محدودیت‌های دموکراتیک در کشورهای مبدأ، نقش مهمی در تشدید مهاجرت نخبگان ایفا می‌کنند.

اوزدمیر^۱ (۲۰۱۹) عوامل مؤثر بر تصمیم مهاجرت در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) با تحلیل داده‌های نظرسنجی از ۷۹۸۹ نفر در ۹ کشور طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۷ بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که افراد تحصیل کرده و افرادی که از شرایط سیاسی و اجتماعی کشور خود ناراضی هستند، بیشترین تمایل را به مهاجرت دارند. این نارضایتی سیاسی و اجتماعی، تأثیری قوی‌تر از مشکلات اقتصادی بر تصمیم مهاجرت دارد.

مرغم و اسپتان^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی به تحلیل عوامل جاذبه و رانش مهاجرت بین‌المللی از کشورهای منتخب عربی به کشورهای غربی پرداختند. این پژوهش با استفاده از داده‌های تابلویی نامتعادل برای دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۷ و الگوی گرانشی گسترش‌یافته، به بررسی تأثیر عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی بر مهاجرت پرداخته است. نتایج نشان می‌دهند که تولید ناخالص داخلی سرانه بالا در کشورهای مقصد، حضور مهاجران پیشین، هزینه‌های پایین مهاجرت و تولید ناخالص داخلی سرانه پایین در کشورهای مبدأ از جمله عوامل مؤثر بر جریان‌های مهاجرتی هستند. همچنین، افزایش بیکاری و فقر در کشورهای مبدأ مهاجرت را افزایش می‌دهد. برخلاف انتظار، بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای عربی تأثیر منفی قابل توجهی بر مهاجرت نداشته است.

فروردا و گست^۳ (۲۰۲۱) با نظرسنجی از مهاجران بالقوه در کشورهای خاورمیانه، ترجیحات مقصد را پیش از مهاجرت بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که فرصت‌های

1. Ozdemir

2. Morghem and Spetan

3. Ferwerda and Gest

شغلی و آزادی‌های دموکراتیک به‌عنوان عوامل اصلی تأثیرگذار شناخته می‌شوند، در حالی که نزدیکی جغرافیایی و حضور هم‌وطنان اهمیت کمتری دارند. مهاجران از کشورهای با بی‌ثباتی سیاسی، دموکراسی را بر اشتغال ترجیح می‌دهند، در حالی که در کشورهای خودکامه با اقتصاد قوی، اشتغال اولویت دارد.

ردلین^۱ (۲۰۲۳) الگوهای مهاجرت و تأثیر بیکاری جوانان و فشار جمعیتی را بر تصمیمات مهاجرتی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) بررسی کرده است. این پژوهش از الگوی گرانشی^۲ و تخمین‌گر حداکثر درست‌نمایی شبه پواسون (PPML)^۳، برای تحلیل داده‌های مهاجرت دوطرفه از ۱۹ کشور MENA به ۳۴ کشور OECD در بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰ استفاده کرده است. نتایج نشان می‌دهد که بیکاری، به‌ویژه در میان جوانان، تأثیر قابل توجهی بر تمایل به مهاجرت دارد و این تأثیر با افزایش جمعیت جوان جویای کار تشدید می‌شود.

بنچک و اشنایدرهاینزه^۴ (۲۰۲۴) رابطه بین رشد اقتصادی در کشورهای فقیر و نرخ مهاجرت به کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) را بررسی کردند. این مطالعه با استفاده از داده‌های ۳۵ ساله جریان‌های مهاجرتی از ۱۹۸ کشور به مقاصد کشورهای OECD با استفاده از الگوی تابلویی، نشان می‌دهد که در مقاطع مختلف توسعه اقتصادی، نرخ‌های مهاجرت یک الگوی U معکوس را دنبال می‌کنند؛ به‌طوری‌که با افزایش درآمد سرانه مهاجرت افزایش یافته و سپس کاهش می‌یابد.

وجه تمایز اصلی این مطالعه نسبت به پژوهش‌های پیشین، در اتخاذ رویکردی تلفیقی، مقایسه‌ای و بلندمدت نهفته است. در حالی که بخش عمده‌ای از ادبیات موجود بر کشورهای مقصد یا صرفاً بر متغیرهای اقتصادی تمرکز داشته‌اند، پژوهش حاضر با تحلیل هم‌زمان شاخص‌های اقتصادی (نظیر بیکاری، درآمد سرانه و نرخ ارز) و

^۱. Redlin

^۲. Gravity model

^۳. Poisson Pseudo Maximum Likelihood

^۴. Benček and Schneiderheinze

شاخص‌های نهادی (از جمله ثبات سیاسی و کنترل فساد)، تلاش می‌کند تصویری جامع‌تر از محرک‌های مهاجرت در کشورهای مبدأ ارائه دهد. افزون بر این، استفاده از داده‌های تابلویی برای شش کشور منتخب خاورمیانه در بازه زمانی گسترده، امکان ارزیابی پویای اثرات متغیرها را در طول زمان فراهم می‌سازد و چارچوبی منسجم برای تحلیل مقایسه‌ای بین‌کشوری ارائه می‌دهد؛ رویکردی که در ادبیات مهاجرت منطقه‌ای کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از داده‌های سری زمانی مقطعی (داده‌های تابلویی) برای تحلیل تأثیر متغیرهای اقتصادی و سیاسی بر جریان‌های مهاجرتی استفاده شده است.

فرم کلی تابع مهاجرت با تفکیک تأثیرات متغیرها به شکل زیر است:

$$LnMIG = f(LnMIG, UNEMP, LnGDPC, LnEXR, PS, CC) \quad (۱)$$

۴-۱. معرفی الگو و متغیرهای پژوهش

این مطالعه با پیروی از ادبیات تجربی داوانزو^۱ (۱۹۷۸) و فرومنتین^۲ (۲۰۱۳)، الگوی مشابه با الگوی استفاده شده در مطالعه رامیار و همکاران^۳ (۲۰۱۳) و وینایاگاتاسان^۴ (۲۰۲۰) مورد بررسی قرار داده است. طبق مطالعه شهباز^۵ (۲۰۱۰) سری‌های زمانی داده‌های مهاجرت برون‌مرزی، درآمد سرانه به قیمت جاری بر اساس نرخ تغییر در تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر و نرخ رسمی ارز بر حسب واحد پول محلی به ازای هر دلار آمریکا به صورت لگاریتمی تبدیل شده‌اند.

با وجود تلاش‌های گسترده برای استانداردسازی و افزایش قابلیت مقایسه، جمع‌آوری

^۱. Davanzo

^۲. Fromentin

^۳. Raymer et al.

^۴. Vinayagathan

^۵. Shahbaz

آمار قابل اعتماد و مقایسه‌پذیر در زمینه جابه‌جایی‌های مهاجرتی همچنان با چالش‌هایی مواجه است. این دشواری به دلیل استفاده هر کشور از روش‌های خاص خود برای شناسایی مهاجران است.

برای گردآوری داده‌های پژوهش، از مجموعه‌ای از منابع رسمی، معتبر و به‌روز استفاده شده است. متغیرهای نرخ بیکاری، نرخ ارز و رشد درآمد سرانه، از منابع معتبر همچون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آمار ایران، WDI، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک مرکزی جمهوری ترکیه (TCMB)، مرکز آمار ترکیه (TurkStat)، (IOM Iraq)، اداره آمار پاکستان (Pakistan Bureau of Statistics)، مرکز آمار مصر (CAPMAS)، شاخص‌های نهادی شامل ثبات سیاسی و کنترل فساد برای کلیه کشورها از پایگاه (WGI)، و متغیر نرخ مهاجرت بین‌المللی از پایگاه مهاجرت سازمان ملل (UNDESA)، پورتال داده‌های مهاجرتی ایران (IMO)، پایگاه بانک جهانی (World Bank Migration and Remittances Data)، اداره کل مهاجرت ترکیه (Göç İdaresi Başkanlığı)، پایگاه داده‌های مهاجرتی بانک جهانی و در مورد ایران، و گزارش‌های سازمان امور مهاجرین وزارت کشور گردآوری شده است.

الگوی مذکور برای انتخابی از کشورهای در حال توسعه خاورمیانه^۱ و دوره زمانی مطالعه، سال‌های ۱۹۷۴ تا ۲۰۲۳ است. کشورهای منتخب این مطالعه به دلیل ویژگی‌های مشترک اقتصادی، نهادی و منطقه‌ای انتخاب شده‌اند و نماینده بخش مهمی از منطقه خاورمیانه و جنوب غرب آسیا هستند. این کشورها با چالش‌های جدی مانند ناپایداری اقتصادی، ضعف نهادی و تحولات سیاسی مواجه‌اند و از مناطق اصلی بروز مهاجرت‌های برون‌مرزی در منطقه به شمار می‌روند. همچنین، انتخاب این کشورها به دلیل دسترسی به داده‌های اقتصادی و نهادی معتبر در دوره بلندمدت، امکان انجام تحلیل‌های آماری دقیق و مقایسه‌ای را فراهم کرده است.

^۱. اسامی کشورهای در حال توسعه: ایران، عراق، ترکیه، سوریه، پاکستان و مصر

الگوی مورد استفاده در این مطالعه به شرح زیر است (مِتیِراوی^۱، ۲۰۲۴):

$$\ln MIG_t = \alpha_0 + \beta_1 UNEMP_t + \beta_2 \ln GDPC_t + \beta_3 \ln EXR_t + \beta_4 PS_t + \beta_5 CC_t + \varepsilon_t \quad (2)$$

متغیرهای الگو شامل $\ln MIG$ لگاریتم نرخ مهاجرت برون‌مرزی، $UNEMP$ نرخ بیکاری شامل تمامی افراد پانزده سال به بالا، $\ln GDPC$ لگاریتم درآمد سرانه بر اساس نرخ تغییر در تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر، $\ln EXR$ لگاریتم نرخ رسمی ارز بر حسب واحد پول محلی به ازای هر دلار آمریکا، PS ثبات سیاسی، عدم وجود خشونت و تروریسم و CC کنترل فساد است. با توجه به محدودیت در دسترسی به نرخ ارز حقیقی برای تمامی کشورهای نمونه، نرخ ارز اسمی لگاریتمی‌شده به‌عنوان شاخصی تقریبی برای ارزیابی ارزش برابری ارز مشابه مطالعه مندوزا و آشبی^۲ (۲۰۱۹)، در الگو لحاظ شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

برای تحلیل‌های تطبیقی و توصیفی ساختار اقتصادی و نهادی کشورهای نمونه، از شاخص‌های تمایل مرکزی متغیرها استفاده شده است تا تصویر روشنی از تفاوت‌های ساختاری، نهادی و اقتصادی میان آن‌ها ارائه می‌دهد که انتخاب این کشورها را برای تحلیل تطبیقی توجیه‌پذیر می‌سازد. این روش در ادبیات مهاجرت، رویکردی پذیرفته شده برای تحلیل مقدماتی تفاوت‌های بین‌کشوری محسوب می‌شود (سالامونسکا^۳، ۲۰۲۲).

^۱. Mтираoui

^۲. Mendoza and Ashby

^۳. Salamońska

جدول (۱). میانگین متغیرهای کلیدی در کشورهای منتخب

کشور	لگاریتم مهاجرت	بیکاری	لگاریتم درآمد	لگاریتم نرخ ارز	ثبات سیاسی	کنترل فساد
ایران	۶/۲۷	۱۰/۶۷	۳/۴۷	۷/۲۸	۲۵/۰۶	۳۳/۰۹
عراق	۵/۱۴	۹/۴۸	۳/۲۹	۷/۴۰	۳/۹۲	۲/۶۸
ترکیه	۶/۱۲	۱۰/۱۱	۳/۵۹	۴/۰۳	۱۳/۲۹	۵۰/۶۷
سوریه	۴/۷۱	۷/۱۲	۳/۰۵	۲/۹۴	۲۶/۴۱	۱۵/۸۰
پاکستان	۶/۶۲	۳/۹۱	۲/۷۵	۳/۶۷	۹/۵۷	۱۳/۵۵
مصر	۵/۳۷	۸/۳۰	۳/۰۶	۱/۰۶	۲۴/۲۸	۳۵/۶۹

منبع: یافته‌های پژوهش

پاکستان با بیشترین نرخ مهاجرت (۶/۶۲)، در عین برخورداری از نرخ بیکاری پایین، از ضعف قابل توجهی در شاخص‌های نهادی رنج می‌برد. در مقابل، سوریه با بالاترین ثبات سیاسی ثبت شده، به رغم نرخ مهاجرت پایین تر، تحت تأثیر بحران‌های امنیتی و جنگ، با مهاجرت‌های عمدتاً اجباری مواجه است. ایران با بالاترین نرخ بیکاری (۱۰/۶۷) و فساد نهادی، شرایط مساعدی برای خروج نخبگان ایجاد کرده و عراق نیز با کمترین سطح ثبات سیاسی و بالاترین نرخ ارز، دومین کشور مهاجرفرست در نمونه مورد بررسی است. ترکیه به دلیل عملکرد مناسب نهادی و رشد درآمد سرانه، دارای وضعیت مهاجرتی به نسبت پایدارتر بوده، در حالی که مصر با بیکاری بالا و فرصت‌های اقتصادی محدود، نرخ مهاجرت قابل توجهی دارد.

در مجموع، یافته‌های آماری حاکی از آن است که مهاجرت در این کشورها نه تنها ریشه در فشارهای اقتصادی، بلکه در شکنندگی نهادی و ضعف حکمرانی دارد؛ امری که ضرورت تحلیل هم‌زمان این عوامل را در تبیین جریان‌های مهاجرت منطقه‌ای برجسته می‌سازد.

جدول (۲) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش و چولگی آن‌ها را نشان می‌دهد. این اطلاعات برای انتخاب روش‌های آماری مناسب، تفسیر درست نتایج و تشخیص عدم

تقارن داده‌ها ضروری است.

جدول (۲). آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی
LMIG	۵/۷۱	۶/۸۱	۲/۲۶	۰/۸۰	-۰/۶۸
UNEMP	۸/۲۸	۱۶/۱۷	۰/۳۹	۳/۲۴	-۰/۳۰
LGDPC	۳/۲۰	۴/۱۱	۱/۳۵	۰/۴۴	-۰/۴۹
LEXR	۳/۱۹	۱۰/۶۴	-۱۱/۱۸	۴/۳۲	-۱/۰۰
PS	۱۷/۲۰	۵۳/۴۳	۰/۰۰	۱۲/۸۲	۰/۴۸
CC	۲۵/۳۹	۶۱/۶۱	۰/۰۰	۱۷/۴۵	۰/۱۳

منبع: یافته‌های پژوهش

به‌منظور جلوگیری از تخمین رگرسیون‌های کاذب لازم است که درابتدا، مانایی متغیرهای پژوهش بررسی شود. جهت بررسی مانایی متغیرها از آزمون‌های لوین، لین و چو^۱ (۲۰۰۲)، برایتونگ^۲ و پسران^۳ بهره گرفته شده است. فرض صفر کلیه این آزمون‌ها دال بر نامانایی متغیر است. بر اساس جدول (۳) تنها متغیر مهاجرت در سطح مانا است. سایر متغیرها پس از یک بار تفاضل‌گیری مانا شده‌اند.

جدول (۳). نتایج آزمون ریشه واحد متغیر

مانایی	IPS		Breitung		LLC		متغیر
	p-value	Z	p-value	lambda	p-value	t _θ [*]	
I ₀	۰/۰۰	-۳/۵۱	۰/۴۱	-۰/۲۱	۰/۰۰	-۳/۳۸	LMIG
I ₁	۰/۰۰	-۶/۸۴	۰/۲۴	-۰/۶۸	۰/۰۰	-۳/۸۰	UNEMP
I ₁	۰/۰۰	-۸/۳۴	۰/۰۰	-۴/۴۸	۰/۰۰	-۷/۲۳	LGDPC

^۱. Levin, Lin, and Chu

^۲. Breitung

^۳. Pesaran

LEXR	-۶/۲۲	۰/۰۰	-۰/۶۶	۰/۲۵	-۶/۷۰	۰/۰۰	I_1
PS	-۶/۶۷	۰/۰۰	-۹/۷۸	۰/۰۰	-۸/۱۲	۰/۰۰	I_1
CC	-۸/۳۳	۰/۰۰	-۶/۶۲	۰/۰۰	-۱۰/۴۰	۰/۰۰	I_1

منبع: یافته‌های پژوهش

وجود ریشه واحد در متغیرهای الگو می‌تواند به رگرسیون کاذب منجر شود. برای رفع این مشکل بدون از دست دادن اطلاعات بلندمدت، از رابطه هم‌جمعی استفاده می‌شود. در این پژوهش، آزمون کائو نشان داد که فرضیه عدم وجود هم‌جمعی رد شده و وجود هم‌جمعی بین متغیرهای الگو تأیید شده است.

جدول (۴). نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو

نوع آزمون	آماره t	احتمال	نتیجه
هم‌انباشتگی کائو	-۴/۸۱	۰/۰۰	رد فرضیه H_0 و وجود هم‌انباشتگی بین متغیرهای الگو

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون F-لیمر نشان داد که با رد فرضیه H_0 و مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵، استفاده از داده‌های تابلویی تأیید می‌شود.

جدول (۵). نتیجه آزمون F-لیمر الگو

تعیین الگو	آماره t	P-VALU
رد فرض H_0 و تأیید روش داده‌های تابلویی	۱۳۹/۵۹	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

برای انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده شد. نتایج جدول (۶) نشان داد که با سطح معناداری کمتر از ۰/۱، فرضیه اثرات تصادفی رد شده و به دلیل وجود همبستگی میان جز خطا و متغیرهای مستقل، الگوی اثرات ثابت برای تخمین الگوی اول پژوهش انتخاب شد.

جدول (۶). نتیجه آزمون هاسمن برای الگوهای پژوهش

الگو	تعیین الگو	P-VALU	کای-دو
مهاجرت	الگوی اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۶۹۷/۹۸

منبع: یافته‌های پژوهش

در الگوهای رگرسیونی تابلویی، فرض واریانس همسانی و عدم خودهمبستگی اهمیت زیادی دارد، زیرا نقض آن‌ها باعث ناسازگاری و ناکارایی متغیرها می‌شود. با توجه به جدول (۷) سطح معناداری بیش از ۰/۰۵ بوده که بیانگر عدم وجود خودهمبستگی در الگوهای پژوهش حاضر است.

جدول (۷). نتیجه آزمون خودهمبستگی

آماره F	P-VALU	نتیجه
۴/۳۵	۰/۰۹	عدم وجود خودهمبستگی

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در جدول (۸) مشاهده می‌شود، سطح معناداری بیش از ۰/۰۵ بوده که بیانگر وجود واریانس همسانی در الگوی پژوهش حاضر است.

جدول (۸). نتیجه آزمون واریانس ناهمسانی

آماره F	P-VALU	نتیجه
۱۱۱/۲۲	۰/۲۰	وجود واریانس همسانی

منبع: یافته‌های پژوهش

الگوی اثرات ثابت انتخاب شد زیرا تفاوت‌های میان کشورهای مورد مطالعه در طول زمان ثابت بوده و بر مهاجرت تأثیرگذار است. در مقایسه با الگوی اثرات تصادفی، این الگو دقت بیشتری در کنترل تفاوت‌های سیستماتیک بین کشورها دارد.

جدول (۹). نتایج تخمین از طریق روش اثرات ثابت

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	prob
UNEMP	۰/۰۵	۰/۰۰	۵/۶۰	۰/۰۰
LGDP	-۰/۱۴	۰/۰۶	-۲/۱۹	۰/۰۲
LEXR	۰/۰۴	۰/۰۱	۴/۵۶	۰/۰۰
PS	-۰/۰۱	۰/۰۰	-۴/۸۷	۰/۰۰
CC	-۰/۰۰	۰/۰۰	-۲/۲۰	۰/۰۲
R ²	۰/۸۷	F	۱۳۲/۶۲	
Prob-F*	۰/۰۰	انحراف معیار	۰/۷۰	
آکائیک	۰/۶۴	شوارتز	۰/۷۸	

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های الگوی رگرسیونی نشان می‌دهد که نرخ بیکاری اثر مثبت و معناداری بر مهاجرت دارد؛ به عبارت دیگر، افزایش بیکاری در کشورهای نمونه با افزایش تمایل افراد به مهاجرت همراه است. این رابطه نشان‌دهنده آن است که بیکاری، افزون‌بر بازتاب ضعف در ظرفیت‌های اشتغال‌زایی، به عنوان عامل ساختاری مؤثری در خروج نیروی کار، به‌ویژه در میان جوانان تحصیل‌کرده، عمل می‌کند. بر اساس ضرایب الگو، افزایش یک واحد درصدی در نرخ بیکاری منجر به افزایش تقریبی ۰/۴ درصدی در مهاجرت شده است. این یافته همسو با مطالعات فن و استارک^۱ (۲۰۰۷) و قنبری و رضازاد (۱۴۰۱) است که بیکاری را مهم‌ترین عامل اقتصادی مهاجرت در کشورهای در حال توسعه معرفی می‌کنند.

همچنین، نرخ ارز اسمی تأثیر مثبت و معناداری بر مهاجرت دارد. نوسانات و تضعیف ارزش پول ملی از طریق افزایش هزینه‌های زندگی و کاهش قدرت خرید، افراد را به جست‌وجوی فرصت‌های بهتر اقتصادی در خارج از کشور سوق می‌دهد. این یافته با مطالعات شین^۲ (۲۰۲۱) همخوانی دارد و در نمونه مورد بررسی نیز مشاهده می‌شود که

^۱. Fan and Stark^۲. Shin

کشورهایی با نرخ ارز بی‌ثبات‌تر مانند ایران و عراق، سطح بالاتری از مهاجرت اقتصادی را تجربه کرده‌اند.

در مقابل، رشد درآمد سرانه اثری منفی و معنادار بر مهاجرت دارد. افزایش درآمد واقعی سرانه، از یک‌سو سطح رفاه عمومی را افزایش داده و از سوی دیگر، امید به آینده اقتصادی را در میان شهروندان تقویت می‌کند. این یافته با مطالعات لاناتی و تایل^۱ (۲۰۲۱) همخوانی دارد و در کشورهای با رشد پایدارتر نظیر ترکیه نیز مهاجرت در سطح پایین‌تری قرار دارد.

در بُعد نهادی، ثبات سیاسی رابطه‌ای منفی با مهاجرت دارد. افزایش بی‌ثباتی سیاسی معمولاً با نااطمینانی اقتصادی، فقدان امنیت، و کاهش سرمایه اجتماعی همراه است که مهاجرت، به‌ویژه در میان نخبگان و طبقات متوسط، را تشویق می‌کند. یافته حاضر با مطالعات دوتا و روی^۲ (۲۰۱۰) و فروردا و گست^۳ (۲۰۲۱) هم‌راستا بوده و تحلیل آماری نیز از این رابطه پشتیبانی می‌کند. در نمونه‌های مورد بررسی، کشورهای چون عراق و سوریه با سطح پایین‌تری از ثبات سیاسی، مهاجرت بالاتری را تجربه کرده‌اند.

در نهایت، کنترل فساد نیز اثری بازدارنده بر مهاجرت دارد. وجود فساد نهادینه‌شده و گسترده، احساس بی‌عدالتی، تبعیض و عدم شفافیت را در جامعه تقویت کرده و شهروندان، به‌ویژه نخبگان و افراد با مهارت‌های بالا، را به ترک کشور ترغیب می‌کند. یافته‌های پژوهش با مطالعه (مفتخری و همکاران، ۱۴۰۱، ص: ۱۸۴-۱۵۷) مطابقت دارد که نشان می‌دهد افزایش نابرابری نهادی و نبود حکمرانی خوب، از عوامل کلیدی فرار مغزها در کشورهای در حال توسعه است. تحلیل داده‌های آماری پژوهش نیز این رابطه را تأیید می‌کند. ترکیه با بالاترین میانگین کنترل فساد در میان کشورهای مورد بررسی، یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مهاجرت را دارد. در مقابل، عراق با پایین‌ترین میانگین

^۱. Lanati and Thiele

^۲. Dutta and Roy

^۳. Ferwerda and Gest

شاخص کنترل فساد پس از پاکستان، بیشترین میزان مهاجرت را تجربه کرده است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاسی

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مهاجرت بین‌المللی در کشورهای منتخب خاورمیانه، واکنشی ساختاری به ترکیبی از عوامل اقتصادی و نهادی است. بر اساس نتایج تخمین الگوی اثرات ثابت، مشخص شد که نرخ بالای بیکاری و نوسانات نرخ ارز تأثیر مثبت و معناداری بر افزایش مهاجرت دارند. در مقابل، رشد درآمد سرانه واقعی رابطه معکوس با مهاجرت داشته و به‌عنوان عامل بازدارنده عمل می‌کند. از منظر نهادی، بی‌ثباتی سیاسی و ضعف در کنترل فساد از مهم‌ترین پیشران‌های مهاجرت شناسایی شده‌اند که به‌ویژه در کشورهایی با نهادهای شکننده، اثرگذاری بیشتری دارند.

در راستای نتایج حاصل از الگوی اقتصادسنجی و به‌منظور کاهش مهاجرت‌های بین‌المللی، مجموعه‌ای از توصیه‌های سیاستی قابل طرح است که مستقیماً بر پایه روابط معنادار شناسایی‌شده در برآوردها بنا شده‌اند. نخست، با توجه به آنکه نرخ بالای بیکاری مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر مهاجرت برون‌مرزی در الگوی تخمین بود، مهار بیکاری ساختاری، به‌ویژه در میان جوانان و تحصیل‌کردگان، ضرورتی راهبردی به شمار می‌رود. این هدف می‌تواند از طریق توسعه فرصت‌های اشتغال در بخش‌های دانش‌بنیان، تسهیل فرآیندهای کارآفرینی، و بازنگری در نظام آموزشی در راستای انطباق با نیازهای واقعی بازار کار دنبال شود.

همچنین، با توجه به نقش معنادار و مثبت نوسانات نرخ ارز بر مهاجرت، تثبیت سیاست‌های ارزی و حفظ ثبات اقتصاد کلان باید در اولویت قرار گیرد. استفاده از ابزارهای پوشش ریسک، تقویت ذخایر ارزی، و اجتناب از سیاست‌های نوسانی می‌تواند فشارهای معیشتی ناشی از کاهش قدرت خرید را تعدیل کرده و مانع از تشدید میل به مهاجرت شود. در همین راستا، تقویت درآمد سرانه و بهبود قدرت خرید نیز، به‌عنوان

متغیری که در الگو رابطه‌ای معکوس با مهاجرت نشان داده، باید از طریق افزایش حداقل دستمزد، بهبود کیفیت اشتغال و بازتوزیع مؤثر منابع دنبال گردد، به‌ویژه در مناطقی که نرخ مهاجرت بالا گزارش شده است.

از منظر نهادی، یافته‌ها نشان می‌دهد که ثبات سیاسی تأثیر بازدارنده‌ای بر مهاجرت دارد؛ بنابراین، دولت‌ها باید با ایجاد سازوکارهای گفت‌وگوی اجتماعی، افزایش شفافیت در فرآیند تصمیم‌سازی، و تقویت استقلال نهادهای مدنی، زمینه‌های شکل‌گیری امنیت روانی، اعتماد عمومی و حس تعلق را در جامعه فراهم سازند. در کنار آن، کنترل فساد نیز عامل مهمی در کاهش مهاجرت، به‌ویژه در میان نخبگان است. مقابله نهادمند با فساد، از طریق ارتقای شفافیت مالی، تقویت سازوکارهای پاسخگویی و اعمال نظارت اثربخش، می‌تواند سطح رضایت شهروندان را افزایش داده و از خروج سرمایه انسانی جلوگیری کند.

در جمع‌بندی، یافته‌های این پژوهش نه‌تنها با واقعیت‌های اقتصادی و نهادی کشورهای مورد بررسی منطبق است، بلکه با نتایج مطالعات بین‌المللی نیز همخوانی دارد. شباهت مفهومی میان نتایج پژوهش حاضر و مطالعه مرغم و اسپتان^۱ (۲۰۲۰) تأکید می‌کند که در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه در خاورمیانه، عوامل اقتصادی همچون بیکاری و رشد درآمدی، همچنان محرک‌های اصلی در تصمیم به مهاجرت محسوب می‌شوند. در عین حال، مشابهت با یافته‌های کاوالنیس و کاسناوسکی^۲ (۲۰۲۲) نیز مؤید آن است که نقش متغیرهای نهادی، از جمله فساد، بی‌ثباتی و محدودیت‌های مدنی، در الگوهای مهاجرت روزبه‌روز برجسته‌تر می‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر بر اهمیت بررسی هم‌زمان ریشه‌های اقتصادی و نهادی مهاجرت تأکید دارد و با تکیه بر شواهد تجربی، ضرورت اتخاذ رویکردی تلفیقی، چندبعدی و واقع‌نگر در تدوین سیاست‌های مهاجرتی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

^۱. Morghem and Spetan

^۲. Kavalnis and Kasnauskiene

تعارض منافع:

تعارض منافع وجود ندارد.

سپاسگزاری:

از دانشگاه ارومیه جهت حمایت، تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع:

- Abella, M. I. (1991). International migration in the Middle East: patterns and implications for sending countries. ILO.
- Al Khouri, R. (2004). Arab migration patterns: the mashreq. *IOM* (2004), 21-33.
- Alavi Shushtari, S. Z., & Hafeznia, M. R. (2020). Political reflections on international migration from the Middle East to Europe. *Geopolitics Quarterly*, 16(3), 29-51 (In Persian).
- Al-Nouri, Q. (1996). Iraqi Dilemma: Displacement and Social Discontinuities. unpublished document, Forced Migration Online.
- Alpatov, V. M. (2018). Level of Unemployment and Deficit of Decent Labor. Bulletin of Adygea State University. *Series 1: Regional Studies: Philosophy, History, Sociology, Jurisprudence, Political Science, Cultural Studies*, 3(124), 224–232.
- Anon. (2003). Contemporary Egyptian Migration, Cairo. *IOM and Government of Egypt*, 98.
- Beatty Riedl, R., & Wolford, W. (2024). World development report 2023 review forum: Introduction. *International Migration*, 62(6), 276-278.
- Benček, D., & Schneiderheinze, C. (2024). Higher economic growth in poor countries, lower migration flows to the OECD – Revisiting the migration hump with panel data. *World Development*.
- Bick, A. (2017). Strategic Dimensions of Forced Migration in Syria. *SAIS Review of International Affairs*, 37(2), 25-32.
- Bozorgmehr, M., and G. Sabagh. (2000). Ambivalent exiles: Iranian Muslims in the United States (In Persian).
- Canales, A. I. (2019). International migration in neoclassical economics: A critical perspective in Migration, reproduction and society.
- Carling, J., Collins, F. L. (2017). Aspiration, desire and the drivers of migration. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 44 (6):909-26.
- Çelik, S. (2018). Evaluation of the Migration Phenomenon as an Economics Dimension. In *Social Considerations of Migration Movements and Immigration Policies* (pp. 58-65). IGI Global.

- Chen, F., Wong, Z. W. V., & Law, S. H. (2024). Brain drain: what is the role of institutions? *Journal of Industrial and Business Economics*, 51(3), 605-628.
- Chung, E. A. (2021). Migration politics at the meso-level. *Research Handbook on the Law and Politics of Migration*, 35-46.
- Crawley, H. (2010). Chance or Choice? Understanding why asylum seekers come to the UK.
- Dartaj, M., Bagheri, F., Bagheri, A., Nematollahi, M. S., & Khodadadeh, Y. (2013). *Elite migration*. Congress of Progress Pioneers (In Persian).
- DaVanzo, J. (1978). Does unemployment affect migration? Evidence from micro data. *The Review of Economics and Statistics*, 504-514.
- De Haas, H. (2010). Migration and development: A theoretical perspective. *International migration review*, 44(1), 227-264.
- De Haas, H., Castles, S., & Miller, M. J. (2019). *The age of migration: International population movements in the modern world*. Bloomsbury Publishing.
- Docquier, F., & Rapoport, H. (2007). Skilled migration: the perspective of developing countries.
- Docquier, F., Lodigiani, E., Rapoport, H., & Schiff, M. (2011). Emigration and Democracy. *Labor: Public Policy & Regulation eJournal*.
- Dutta, N. & Roy, S. (2010). Do Potential Skilled Emigrants Care About Political Stability at Home?
- Ebrahimi, F., & Rafiei, M. H. (2020). Analyzing the effect of perceived corruption and weak governance on migration tendency. *Quarterly Journal of Economy and Society*, 12(2), 99-120 (In Persian).
- Ezeabasili, I. E. (2025). Navigating Insecurity and Migration Trends in Nigeria, (2019-2023). *International Journal of Advanced Multidisciplinary Research and Studies*, 5(1), 159-165.
- Faist, T. (2000). Transnationalization in international migration: implications for the study of citizenship and culture. *Ethnic and racial studies*, 23(2), 189-222.
- Fan, C.S., & Stark, O. (2007). The Brain Drain, 'Educated Unemployment', Human Capital Formation, and Economic Betterment. Wiley-Blackwell: Economics of Transition.
- Ferwerda, J., & Gest, J. (2021). Pull factors and migration preferences: Evidence from the Middle East and North Africa. *International Migration Review*, 55(2), 431-459.
- Fischer, B., & Mayer, T. (1980). On the structuralist view of inflation in some Latin American countries: A reassessment (No. 103). Kiel Working Paper.
- Fromentin, V. (2013). The relationship between immigration and unemployment: The case of France. *Economic Analysis and Policy*, 43(1), 51-66.
- Ghanbari, M., & Rezazadeh, G. (2022). A Physical Perspective to Human

Migration Phenomenon. *arXiv preprint arXiv:2201.06119*.

- Ghoreyshi, F. (2021). International forced migration from the perspective of Afghan women living in Iran: A case study of migrant women in Tehran. *Siasat (Policy Quarterly)* (In Persian).
- Giannoccolo, P. (2009). The brain drain: A survey of the literature. Università degli Studi di Milano-Bicocca, Department of Statistics, Working Paper, (2006-03), 02.
- Hagen-Zanker, J. (2008). Why do people migrate? A review of the theoretical literature. A Review of the Theoretical Literature (January 2008). Maastricht Graduate School of Governance Working Paper No.
- Hajian, S., Khoshnevisan, M.H., Yazdani, S., & Jadidfard, M.P. (2019). Factors influencing the migration intention of dental and medical graduates in developing countries. *European Journal of Public Health*.
- Hassani, S. A. (2015). *Elite migration: Roots and consequences*. Tehran: Eqbal Publishing (In Persian).
- Hierro, M., & Maza, A. (2024). How Social Networks Shape Refugee Movements in Wartime: Evidence from the Russian Attack on Ukraine. *International Migration Review*, 01979183241240712.
- Hollifield, E.J., Foley, N., & Thiollet, H. (2023). Illiberal Migration Governance in the Arab Gulf.
- Homsí, M., & Mapam, X. (2018). Forms and directions of migration from the countries of the Middle East in 1990-2017. *RUDN Journal of Economics*.
- Hosseini, A., & Vasiqi Niaei Rad, M. (2022). The impact of inflation and unemployment on the tendency of undergraduate students to migrate in Iran. In The First International Conference on Educational Sciences, Psychology, Counseling, and Education (In Persian).
- Ifere EO, Eko EO, Orlu RN. (2017). Governance and violent conflict: A common sense model for sustainable economic development in Nigeria. *European Journal of Social Sciences*, 55(1), 113 –123.
- Iontsev V.A. (2017). Mezhdunarodnaya migratsiya naseleniya: teoriya i istoriya izucheniya [International migration of the population: theory and history of study]. *Moscow, Dialog-MGU Publ.*, 2017. 216 p.
- Kadhum, O. (2023). Nation-destroying, emigration and Iraqi nationhood after the 2003 intervention. *International Affairs*, 99(2), 587-604.
- Kavalnis, R., & Kasnauskiene, G. (2022). Push or pull: what drives emigration from Lithuania? *Organizations and Markets in Emerging Economies*, 13(1), 26-49.
- Khan, Y., & Ming-yi, W. (2018). How the GCC Economic Crises Effect Labor Migration: Evidence from Pakistan. *Asian Journal of Economics and Empirical Research*.
- Kilic, H., & Biffl, G. (2021). Turkish Migration Policy from the 1960s Until Today: What National Development Plans Tell Us. *Journal of International Migration and Integration*, 23, 2047 - 2073.

- Lanati, M., & Thiele, R. (2021). The Link between Economic Growth and Emigration from Developing Countries: Does Migrants' Skill Composition Matter? *SSRN Electronic Journal*.
- Lee, E. S. (1966). A theory of migration. *Demography*, 3, 47-57.
- Lindor, M. (2019). Public policies, poverty and illiteracy in young and adults in Haiti. Challenges and perspectives. *Revista Interamericana de Educación de Adultos*, 41(1), 6-33.
- Luizard, P. J. (2003). La question irakienne. Paris: Fayard.
- Mtiraoui, A. (2024). Interaction between migration and economic growth through unemployment in the context of political instability in the MENA Region. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 14(1), 204-215.
- Majidi, M., et al. (2023). A study on youth migration from Iran to neighboring countries. *Iranian Journal of Social and Economic Studies*, 19(2), 75-92 (In Persian).
- Mayda, A. M. (2010). International migration: A panel data analysis of the determinants of bilateral flows. *Journal of population economics*, 23, 1249-1274.
- Meeteren, M.V., & Pereira, S.C. (2016). New Roles for Social Networks in Migration? Assistance in Brazilian Migration to Portugal and the Netherlands.
- Mendoza, J., & Ashby, N. (2019). Mexican migration flows to the United States: The impact of business cycles on unauthorized immigration to the United States. *Economics Bulletin*, 39(2), 798-815.
- Moftakhari, A., Jafari, M., Abounoori, E., & Nademi, Y. (2021). Investigating the effects of gender inequality on brain drain in developing countries. *Quarterly Journal of Quantitative Economics* (In Persian).
- Moftakheri, A., Jafari, M., Abunouri, E., & Nadami, Y. (2022). Nonlinear effects of ncome inequality on brain drain in developing countries. *Economic Researches (Growth and Sustainable Development)*, 22(2), 157-184 (In Persian).
- Morghem, L. T., & Spetan, K. A. A. (2020). Determinants of international migration: An applied study on selected Arab countries (1995-2017). *International Journal of Economics and Financial Issues*, 10(2), 6-19.
- Mossayeb, S., & Shirazi, R. (2006). Education and emigration: The case of the Iranian American community. *Current Issues in Comparative Education*, 9(1) (In Persian).
- Mostafazadeh, M., & Arabmazar, A. A. (2018). The impact of governance institutions on international labor migration from Iran. *Economic Policy*, 10(20), 1-33 (In Persian).
- Mousavi Rad, S. H., & Ghodsian, H. (2015). Analyzing brain drain and the impact of deterrent policies using system dynamics. *Strategic Management Researches*, 21(59), 37-62 (In Persian).

- Mudričenko, G., Laskienė, D., Gižienė, V., & Navickas, V. (2023). An empirical analysis of inflation's influence on income inequality in Lithuania. *Economics, Management and Sustainability*, 8(2), 20-31.
- Mukherjee, M., & Fransen, S. (2024). Exploring migration decision-making and agricultural adaptation in the context of climate change: A systematic review. *World Development*, 179, 106600.
- Naval, N., Alexopoulos, C., Rizun, N., & Saxena, S. (2024). Identifying the push and pull factors for migration patterns vis-à-vis smart cities' context. *Journal of Science and Technology Policy Management*.
- Nejati, M., Haji Qasemi, S., & Bahmani, M. (2017). The impact of skilled labor migration on macroeconomic variables in Iran: Application of computable general equilibrium model. *Economics and Modeling*, 8(32), 31-58 (In Persian).
- Nikouyeh, M., Shirvani Nagani, M., Darvishi Se-Telani, F., & Bayat, R. (2020). Identification and prioritization of multi-dimensional factors affecting brain drain. *Majles va Rahbord*, 27(104), 127–154 (In Persian).
- Khokhlysheva, O. (2018). Comparative Macroeconomic Analysis of the Middle East. *East: Yesterday, Today and Tomorrow*, (4), 102-109.
- Olinter, N. A. (2017). Migration knockout of Europe. *East: Yesterday, Today and Tomorrow*, 9, 200-209.
- Ozdemir, U., & Ecevit, Y. A. (2019). Kim Göç Etmek İstiyor? Orta Doğu ve Kuzey Afrika'da Göç Eğilimleri. *Liberal Düşünce Dergisi*, 24(96), 9-25.
- Pál, V., Fabula, S., & Boros, L. (2024). Why Do Hungarian Health Workers Migrate? A Micro-Level Analysis. *Sustainability*, 16(4), 1386.
- Perihan Kırkıç, A. (2025). Revealing the role of intangible factors on migration in MENA: Religious identity and freedom perceptions. *International Migration*, 63(3), e13354.
- Petrov A.O. (2017). Migration in Europe: Overcoming the Solidarity Crisis. NO7. 17—22.
- Poole, A. (2022). Migration as conflict risk-management: testing the new economics of labour migration as a framework for understanding refugee decision-making. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 48(15), 3725-3742.
- Radac, I., Bresfelean, V., Tănăsescu, C. R., & Bologa, C. (2024). Determinants of migration: A macro level perspective. In Proceedings of the International Symposium on Computer Science and Society.
- Ravenstein, E. G. (1889). The laws of migration. *Journal of the royal statistical society*, 52(2), 241-305.
- Raymer, J., Wiśniowski, A., Forster, J. J., Smith, P. W., & Bijak, J. (2013). Integrated modeling of European migration. *Journal of the American Statistical Association*, 108(503), 801-819.
- Redlin, M. (2023). Quod vadis? The effect of youth unemployment and demographic pressure on migration in the MENA region. *Global Networks*, 23(4), 864-883.

- Rezaie, M., & Sadeghi, R. (2021). Dream of migration: Iranian migration tendency and its determinants. *Contemporary Sociological Researches*, 18, 35–62 (In Persian).
- Robinson, J. A., & Acemoglu, D. (2012). *Why nations fail: The origins of power, prosperity and poverty*. London: Profile.
- Rocha, A., Gomes, C., & Perobelli, S. F. (2020). Inflation and Labor Migration: Modelling the Venezuelan.
- Rodrik, D. (2015). *Economics rules: The rights and wrongs of the dismal science*. WW Norton & Company.
- Romaniszyn, K. (2022). Social networks as a perpetual vehicle for migration. *Studia Polonijne*, (43), 365-380.
- Safaei, N., Chakmechi-Khivai, F., & Shahsavar, M. S. (2023). Investigating the brain drain from Iran: A systems dynamics approach. *Systems Thinking in Practice Journal* (In Persian).
- Salamońska, J. (2022). Quantitative methods in migration research. Introduction to Migration Studies: An Interactive Guide to the Literatures on Migration and Diversity. *Rotterdam, Zuid-Holland, The Netherlands: Springer*, 425-38.
- Schon, J. (2021). Migration causes, patterns, and consequences: contributions of location networks. In *Oxford Research Encyclopedia of Politics*.
- Shahabadi, A., & Jamebozorgi, A. (2014). The effect of economic, political and civil freedom on migration (With emphasis on elite migration). *Majles va Rahbord*, 21(77), 41–69 (In Persian).
- Shahbaz, M. (2010). Income inequality-economic growth and non-linearity: A case of Pakistan. *International Journal of Social Economics*, 37(8), 613-636.
- Shin, A.J. (2021). Exchange rates and immigration policy. *Comparative Migration Studies*, 9, 1-16.
- Sjaastad, L. A. (1962). The costs and returns of human migration. *Journal of political Economy*, 70(5, Part 2), 80-93.
- Sorokin, N. P. (2018). Refugee crisis: Will Europe become a "melting pot"? *New Technologies*, 4, 7-13.
- Tapırdamaz, M. T. (2024). Küreselleşme bağlamında göç ve yoksulluk ilişkisi. *IBSCO*, 2024, 20.
- Tsourapas, G. (2022). Migration and Development in Egypt: A Holistic View. *International Development Policy*, 94.
- Urbański, M. (2022). Comparing push and pull factors affecting migration. *Economies*, 10(1), 21.
- Van Dalen, H. P., Groenewold, G., & Schoorl, J. J. (2005). Out of Africa: What drives the pressure to emigrate? *Journal of Population Economics*, 18, 741-778.
- Vietti, F., & Scribner, T. (2013). Human insecurity: Understanding international migration from a human security perspective. *Journal on Migration and Human Security*, 1(1), 17-31.

- Vinayagathan, T. (2020). The role of Political Stability, Labor Market and Education on Migration: the empirical evidence from Sri Lanka. *Bus Economic Res*, 10(2), 372-91.
- Wahyudi, R. (2021). Mengenal Teori-teori Migrasi Pekerja Internasional.
- Wallerstein, I., & Wallerstein, I. M. (2011). *The modern world-system I: Capitalist agriculture and the origins of the European world-economy in the sixteenth century (Vol.1)*. Univ of California Press.
- Zhou, Y. (2024). Trapped in the platform: Migration and precarity in China's platform-based gig economy. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 56(4), 1195-1210.